



بسم الله الرحمن الرحيم

نماز جمعه مشهد مقدس

همه شما برادران و خواهران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم.

در مثل امروزی وجود مقدس زینب کبری (ع) تولد پیدا کردند. برنامه پیغمبر (ص) این بود که هر یک از عزیزان وجود مقدس فاطمه زهرا (ع) و امیرالمؤمنین (ع) متولد می‌شدند، حضرت به خانه آنها می‌رفتند برای دیدار نوزاد؛ اما وقتی زینب کبری (ع) تولد یافتند، حضرت امر فرمودند هرچه زودتر این نوزاد را به من برسانید. قنداقه حضرت زینب (ع) را خدمت ایشان بردند. رسول الله (ص) نگاهی به صورت این مولود عزیز انداختند، فرمودند احترام ایشان بر همه شما لازم است، همه باید این دختر را احترام کنند؛ چون این شبیه خدیجه (ع) است و تمام خصوصیات خدیجه (ع) در او وجود دارد. وجود مقدس حضرت خدیجه (ع) با تمام وجود فدایی اسلام شد، این خصوصیت را زینب کبری (ع) در همه زندگانی‌اش دارا بود که با تمام وجود قربانی و فدایی اسلام شد. بعد از پیغمبر اکرم (ص) سؤال شد: «یا رسول الله، اسم این دختر را شما چه گذاشتید؟» پیغمبر (ص) فرمودند: «باید نام این دختر را خدا تعیین کند.» جبرئیل بر پیغمبر اکرم (ص) نازل شد و عرض کرد: «یا رسول الله (ص)، خداوند متعال نام این دختر را زینب (ع) قرار داده است.» زینب مخفف «زین أب» یعنی زینت پدر، پدری مثل



حضرت زینب (ع)؛ زینت پدری مثل امیرالمؤمنین (ع)

سالروز ولادت با سعادت صدیقه صغری، زینب کبری (ع) را به محضر مقدس شما برادران و خواهران تبریک و تهنیت عرضه می‌دارم. خداوند متعال در همه زندگی، در مجموعه حرکت‌های اجتماعی و در برکات عبودیت و بندگی خدا ما را پیرو کامل و قطعی اهل بیت پیغمبر (ص) قرار بدهد.

امیرالمؤمنین (علیه السلام). خداوند متعال اعلام کرد این دختر زینت چنین پدر با فضیلت و با عظمتی است، تمام ویژگی‌های مولای (علیه السلام)، خصوصیات فضیلتی آن حضرت از شجاعت و شهامت و دلاوری و فصاحت و بلاغت و تمام خصوصیات و عبادت وجود مقدس امیرالمؤمنین (علیه السلام)، همه این‌ها در ساحت مقدس کبریایی حق، منظور شد و خداوند اسم این دختر را زینت پدر قرار داد. این دختر آرایش و زینت پدر است؛ آن هم پدری مثل امیرالمؤمنین (علیه السلام). این عظمت، این وجود مقدس بود که نامگذاری‌اش به وسیله ذات مقدس پروردگار به عنوان «زین اب»، زینت پدر، قرار گرفت.

از خصوصیات برجسته حضرت زینب (علیه السلام)، صرف‌نظر از ویژگی‌هایی که در عرصه زندگانی آن حضرت ظهور پیدا کرد، استعداد، ذکاوت و هوش فوق‌العاده حضرت بود. وجود مقدس حضرت زینب (علیه السلام)، از دوران بچگی‌اش، از نظر هوش و ذکاوت نابغه بود. ابن عباس وقتی خطبه فدکیه حضرت زهرا (علیه السلام) را نقل می‌کند، می‌گوید: «حدثتني عقيلتنا زینب (علیه السلام)»^۱ این خطبه را زینب (علیه السلام) برای من روایت کرده است. آن روزی که خطبه فدکیه حضرت زهرا (علیه السلام) صادر شد، زینب کبری (علیه السلام) چهار ساله یا پنج‌ساله بود، کودکی به ظاهر چهار ساله. در سال ششم هجرت به دنیا آمد و بنا به یک نقل در سال پنجم هجرت. بنابراین اگر در سال ششم هجرت به دنیا آمده باشد، زمان صدور خطبه فدکیه حضرت زهرا (علیه السلام)، زینب چهار ساله بود. زینب (علیه السلام)

این خطبه را در مسجد کوفه از مادر شنید، از اول تا به آخر خطبه بدون اینکه یک کلمه آن را حذف کند یا تغییر بدهد، برای ابن عباس این خطبه صدیقه اطهر (علیه السلام) را روایت کرد. هوش و ذکاوت این خانم در سنین چهارسالگی در حدی بود که توانست خطبه مادر را که در مسجد ایراد شده است با تمام جزئیات و کلمات ضبط کند و بعد برای ابن عباس روایت کند. این هوش و ذکاوت از نبوغ بالای زینب کبری (علیه السلام) حکایت دارد.

حضرت زینب (علیه السلام)؛ الگوی صبر و استقامت در شدايد

ویژگی‌ای که آن حضرت داشتند، شدت ارتباط و علاقه به سیدالشهداء (علیه السلام) بود. این خانم (علیه السلام) از لحظه ولادت وابستگی خاصی به برادر پیدا کرد. در میان گهواره بود، از شدت گرسنگی یا تشنگی به گریه می‌افتاد. هر وقت گریه می‌کرد وجود مقدس سیدالشهداء (علیه السلام) بر سر گهواره می‌آمدند، کودک جمال دلارای برادر بزرگوارش حسین (علیه السلام) را که می‌دید، آرام می‌شد. می‌گویند در زمان بزرگی، رسم حضرت زینب (علیه السلام) این بود هر وقت می‌خواست نماز بخواند یک‌جوری خودش را به سیدالشهداء (علیه السلام) می‌رساند، قبل از نماز نگاهش را به صورت ابی عبدالله (علیه السلام) می‌دوخت، جمال دلارای حسین (علیه السلام) را زیارت می‌کرد و بعد تکبیرة الاحرام می‌گفت. این وابستگی شدید زینب کبری (علیه السلام) به سیدالشهداء (علیه السلام) با این وابستگی در شب عاشورا وقتی آن اشعار را از خیمه مجاور از برادر

چشمش به بالای ناچه افتاد، وجود مقدس امام زمانش زین‌العابدین (ع) را مشاهده کرد که رنگ از صورتش پریده، بدن را روی زمین گذاشت. قدرت صبر، قدرت تحمل، قدرت مقاومت این خانم مردآفرین آن قدر بالا و بلند بود که حتی امام زمان خودش را از مرگ فجأة نجات داد. آمد کنار ناچه ایستاد، خدمت امام زمانش، عرضه داشت «یا بنِ اِخا! کَأَنکَ تجود بنفسک»^۲ برادرزاده، تو داری جان می‌دهی و از حال می‌روی، آخر تو حجت خدایی، تو امام زمانی؛ سیدالساجدین (ع) فرمود: «عمه، من حجت خدایم، مگر این بدن پاره‌پاره، بدن حجت خدا نیست که روی زمین قرار گرفته است.» زینب کبری (ع) شروع کرد تسلی دادن و گفت: «اوضاع این طور نمی‌ماند بدن دفن می‌شود. این سرزمین از این شکل در می‌آید، کعبه آمال همه انسان‌های متدین و عاشقان ما در روی کره زمین قرار می‌گیرند، آنچنان که مردم عاشق کعبه و طواف کعبه هستند، مردم عاشق این قبر و طواف این قبر می‌شوند.» شروع کرد این اخبار را گفتن، وجود مقدس سیدالساجدین (ع) حالشان افاقه پیدا کرد، یعنی قدرت صبر و تحمل این خانم به جایی رسید که امام زمان خود را تسلی و دلداری داد.

حضرت زینب (ع)؛ الگوی زن در تمدن اسلامی

هنوز در روی کره زمین نابغه‌ای نیامده که مثل زینب کبری (ع) بتواند بحران را مدیریت کند. تمام وضعیت شهادت

شنید، نتوانست طاقت بیاورد، خودش را انداخت داخل خیمه برادر. صیحه زد، غش کرد و از حال رفت. وجود مقدس ابی‌عبدالله (ع) زینب (ع) را به حال آورد. سیدالشهداء (ع) تصرف ولایتی در وجود مقدس حضرت زینب (ع) فرمودند. در نتیجه این تصرف ولایتی صبر و مقاومت و حلم عجیبی به آن حضرت دست داد که وجود مقدس زینب کبری (ع) بحران عظیم گودی قتلگاه را در صبح یازدهم با قدرت صبر توانست این بحران را مدیریت کند.

در همان هنگامی که اهل بیت روی بدن‌ها افتاده بودند، بدن پاره‌پاره سیدالشهداء (ع) روی دست خود زینب (ع) بود، یک‌مرتبه



برادران و خواهران! اگر بناست ما امروز در دنیای کفر، در دنیای مادیت، در جهانی که ادعای پیشرفت می‌کند، در عرصه تمدن از تمدن اسلامی خودمان یک الگوی زن نشان بدهیم آن هم زینب علیها السلام، کجای دنیا در تمدنش الگویی مثل زینب کبری علیها السلام دارد تا با ما مقابله کند؟ اگر بنا شد ما به عنوان تمدن اسلامی در مقابل تمام تمدن‌های جاری روی کره زمین بخواهیم از زن یک الگو نشان بدهیم که زن در جریان تمدن اسلامی ما چه جایگاهی دارد، ما فقط زینب کبری علیها السلام را سر دست بگیریم و به دنیا نشان بدهیم، دنیا چه دارد بتواند در همه عظمت‌ها و فضیلت‌ها با زینب کبری علیها السلام برابری کند؟ این عظمت دختر امیرالمؤمنین علیه السلام است.

.....

۱. شیخ محمدتقی تستری، قاموس الرجال، ج ۱۲، ص ۲۶۸.

۲. جلاء العیون: سیرة الرسول صلی الله علیه و آله و ابنته الزهراء علیها السلام و الائمة الإثنی عشر علیهم السلام، ج ۲، ص ۴۸۸.

سیدالشهداء علیه السلام همه‌اش بحران بود. تمام جریان اسارت از اول تا به آخرش بحران بود و قدم به قدم آنچنان این بحران را وجود مقدس زینب کبری علیها السلام مدیریت کرد که در همه جا جریان انقلاب و خط انقلابی کربلا درخشید. همه مصائب و مشکلاتی که دشمن ایجاد کرده بود تا مظاهر انقلابی را از این خانواده و زن و بچه بگیرد، دشمن در اجرای سیاست خودش شکست خورد و

زینب کبری پیروز شد. خب این عظمت حضرت زینب در مدیریت بحران بود. آنجایی که بنای حرف زدن بود هیچ چیز زینب علیها السلام را تحت تأثیر قرار نمی‌داد، از هیچ جریانی زینب علیها السلام کبری متأثر نمی‌شد. سر بریده برادر زیر چوب خیزران بود، زینب علیها السلام با تمام قدرت بر سر یزید فریاد می‌زد: «لقد استصغرت عظمتک یا یزید» یزید تو پوچی! تو هیچی! تو را من ناچیز و کوچک شمردم. یزید می‌خواهد

قدرت نشان بدهد و جریان انقلاب را در سایه قدرت‌نمایی خودش از بین ببرد، اما زینب کبری علیها السلام مدیریت می‌کرد این بحران را ولو اینکه با همه خطرات مقابل بود، از هیچ چیز باک نداشت و از هیچ چیز وحشت نداشت، آنجایی که لازم بود زینب کبری هر نوع حرکتی را در مقابل دشمن انجام می‌داد.

ویژگی‌ای که آن حضرت داشتند، شدت ارتباط و علاقه به سیدالشهداء علیه السلام بود. این خانم علیها السلام از لحظه ولادت وابستگی خاصی به برادر پیدا کرد. در میان گهواره بود، از شدت گرسنگی یا تشنگی به گریه می‌افتاد. هر وقت گریه می‌کرد وجود مقدس سیدالشهداء علیه السلام بر سر گهواره می‌آمدند، کودک جمال دلارای برادر بزرگوارش حسین علیه السلام را که می‌دید، آرام می‌شد.

بسم الله الرحمن الرحيم

نماز جمعه مشهد مقدس

نتیجه نرسید. از نظر وضعیت نظامی، دشمن در مقام تشدید وضعیت نظامی، آن هم در عرصه تهدید است نه در عرصه عملیات؛ به خاطر اینکه موقعیت سیاسی داخلی دشمن در شرایطی است که توسعه جنگ، موقعیت سیاسی او را از بین خواهد برد و به کلی از نظر توان سیاست داخلی‌شان دچار شکست و رسوایی بیشتر از این خواهند شد؛ لذا تشدید نظامی فقط در عرصه تهدید است و در عرصه عملیات نیست. البته در عرصه عملیات، تشدید نظامی از طرف رزمندگان قهرمان ما به خوبی صورت می‌گیرد. آمریکایی‌ها داخل دریای عمان پنج کشتی ما را زدند، عزیزان رزمنده ما در مقابل این پنج کشتی، ده کشتی آمریکایی را زدند و یک پایگاه نظامی بسیار مهم آمریکایی‌ها در اردن را هم با خاک یکسان کردند. این موقعیت تشدید نظامی از نظر رزمندگان ما هست و موقعیت تشدید نظامی از طرف دشمن فقط در عرصه تهدید، آن هم بعد از جریان انتخابات کنگره آمریکا در نوامبر مطابق با ۱۲ آبان، صورت می‌گیرد و در آن روز اینها انتخابات انجام می‌دهند، یک روز قبل

همه شما برادران و خواهران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم.

راهبرد ملت ایران؛ استقامت در برابر تهدیدات دشمن

شرایط امروز جامعه ما این است که در جهت حرکت‌های دیپلماتیک در جنگ و میانجی‌گری‌ها به بن‌بست رسیده است، و آن طوری که خواسته شما مردم بود، مسئله مقابله با دشمن و حفظ عزت و



حرمت و عظمت این ملت و این انقلاب و این نظام در این مقابله، بحمدالله، تا به امروز به برکت رهنمودهای ارزشمند مقام معظم رهبری دام‌عزّه، کاملاً محفوظ مانده است و همه این حرکت‌ها که در مقام معامله با قاتل امام شهید مظلوم ما علیه‌السلام بود، خوشبختانه شکست خورد و به

از ۱۳ آبانی که روز استکبارستیزی ما است. آنها درصدد این هستند که بعد از انتخابات حملات شدیدی را شروع کنند که البته مسئله بستگی دارد به اقتضائاتی که بعد از این انتخابات برای دشمن در آمریکا به وجود بیاید: آیا آن اقتضائاتی که به وجود می‌آید اقتضای تشدید نظامی دارد یا ندارد.

برادران و خواهران، در لابه‌لای این جنگ‌ها و صلح‌هایی که دشمن دائماً دارد بر ما تحمیل می‌کند و در لابه‌لای این قضایا، ما دقیقاً رابطه‌مان و الگویمان و خطی که داریم، از وجود مقدس زینب کبری (ع) است. حرکت ما حرکت زینبی (ع) است،

بعثت ما بعثت زینبی (ع) است؛ یعنی آن‌طوری که شب عاشورا وجود مقدس سیدالشهداء (ع) زینب کبری (ع) را در خط انقلاب‌سازی کربلا مبعوث فرمودند، امام شهید ما (ع) هم قبل از شهادتش ملت ما را مبعوث کردند برای اینکه جریان انقلاب را ادامه بدهند.

در یکی از فرمایشات، مقام معظم رهبری شهید (ع) فرموده‌اند که ایستادگی و مقاومت، راه مقابله با فشارهای شرطی دشمن است. بعد فرموده‌اند: «مثلاً فرض کنید نظام اسلامی با فشارهای شرطی

دشمن مواجه می‌شود، مراد ما از فشار شرطی این است که یک فشاری را وارد می‌کنند، مثلاً تحریم را، بعد می‌گویند این را برمی‌داریم به شرط اینکه فلان کار انجام بگیرد. این جور نیست که آدم را به کلی مأیوس کنند می‌گویند برمی‌داریم، اما شرطش این است که این کار باید انجام بگیرد. این خوب خیلی چیز خطرناکی است خیلی چیز

مهمی است، این شرط‌ها ممکن است شرط‌های به شدت گمراه‌کننده و هلاک‌کننده‌ای باشد. در یک چنین وضعی، انسان چه کار باید بکند؟! اینجا انسان متوجه می‌شود که علاج این، «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ»^۱.

این راهش فقط استقامت است؛ چون این مسئله، مسئله عمومی است، مسئله شخصی که نیست مثلاً در قرآن، وجوب صبر، وجوب استقامت برای خود شخص پیغمبر (ص) است مخاطب «وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ»^۲ پیغمبر (ص) است نه مردم، اما این مورد که می‌گوید: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» ارتباط به مردم دارد.^۳ «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ» تنها استقامت رهبری کفایت نمی‌کند، استقامت جریان‌های مسئول کافی نیست، استقامت مال مردم است «وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ» هر کسی همراه تو به

آمریکایی‌ها داخل دریای عمان پنج کشتی ما را زدند، عزیزان رزمنده ما در مقابل این پنج کشتی، ده کشتی آمریکایی را زدند و یک پایگاه نظامی بسیار مهم آمریکایی‌ها در اردن را هم با خاک یکسان کردند.

طرف خدا آمده است، او هم وظیفه‌اش استقامت است و باید استقامت کند.

عزیزان، امام شهید ما^{علیه السلام} مسیر و راه را برای ما معین کردند. در یک همچنین وضعیتی که دشمن با تهدید یا عملیات می‌خواهد ما را وادار به انجام بعضی شرایط کند، وظیفه ما استقامت است، ما باید استقامت کنیم، به هیچ وجه، تسلیم مطامع ناپاک

دشمن شیطانی نشویم. مقام معظم رهبری شهید^{علیه السلام} می‌فرمایند که آنجایی که دشمن عملیات شرطی انجام می‌دهد، شما تسلیم نشوید و استقامت کنید تا چه برسد به اینکه دشمن تهدید شرطی داشته باشد، نه عملیات. عرضه تشدید نظامی در این موقعیت ندارد و امکان ندارد برای او تشدید نظامی در این موقعیت سیاسی؛ لذا در همچنین موقعیتی که او با شرط دارد ما را تهدید می‌کند، به فرموده مقام

رهبری شهید(ره) ما که در مقابل عملیات تمکین شرط نباید بکنیم، آیا در مقام تهدید دشمن درست است ما بیاییم تمکین در مقابل شرایط کنیم؟ آنچه که او می‌خواهد انجام بدهیم، فقط به خاطر وحشت و ترس از تهدیدی که معلوم نیست بتواند انجام بدهد یا نتواند.

ما علی ای حال، در هر حال وضعمان

این است که تا آنجایی که می‌توانیم، راهکارهایی را پیش بگیریم که از الگویی زینب کبری^{علیها السلام} در مبارزه استفاده می‌کنیم. روزی که سیدالشهداء^{علیه السلام} به شهادت رسیدند، شرایط اهل بیت^{علیهم السلام} چه شرایطی بود. این را در نظر بگیرید: در آن زمان چه وضعیتی داشتند. جز اینکه اینها را محاصره کردند، خیمه‌هاشان را آتش زدند، اموالشان را

غارت کردند، همه را به اسارت گرفتند. نه تنها سوار شترهای بی‌کجاوه کردند، این زن و بچه را سوار قَطَب‌ها کردند، توی صحرای کویر در مقابل باد عَجّه این‌ها را نگه داشتند. به تعبیر وجود اقدس امام زمان^{علیه السلام} در زیارت ناحیه صورت‌ها را ذرات شن‌های داغ، تفدیده کرد. این‌ها با این کیفیت در دست دشمن اسیر بودند. اما آخرش، روزی که می‌خواستند از شام بیایند، چه وضعی داشتند؟! چه کسی این وضع را ایجاد کرد؟! جز

قهرمانی زینب^{علیها السلام}؟ و چه کرد؟ چه شد که دشمن به آن صورت درآمد، و بعد به‌عنوان یک پیروز، از شام خارج شدند. اولش چه جور وارد شدند و بعد چه جوری بیرون آمدند و چه کرد زینب کبری^{علیها السلام}. ما می‌توانیم همان کار را در مقابل دشمن بکنیم. همان کاری که او در مقابل دشمن کرد.

مثلاً فرض کنید

نظام اسلامی با فشارهای شرطی دشمن مواجه می‌شود، مراد ما از فشار شرطی این است که یک فشاری را وارد می‌کنند، مثلاً تحریم را، بعد می‌گویند این را برمی‌داریم به شرط اینکه فلان کار انجام بگیرد. این جور نیست که آدم را به کلی مأیوس کنند می‌گویند برمی‌داریم، اما شرطش این است که این کار باید انجام بگیرد. این خوب خیلی چیز خطرناکی است

حضرت زینب (علیها السلام)؛ تبدیل مبارزهٔ تدافعی به مبارزهٔ تهاجمی

یکی از کارهایی که حضرت زینب (علیها السلام) در شهر شام انجام دادند، این است که حرکت تدافعی را مبدل کردند به حرکت تهاجمی. ابتدائاً حرکت، حرکت تدافعی بود؛ یعنی دشمن برنامه‌ریزی می‌کرد اینها را سرکوب کند، اینها در مقابل سرکوب دشمن، در مقابل غذا ندادن، در مقابل آب ندادن، در مقابل کتک زدن مقاومت می‌کردند، دشمن را خورده می‌کردند. حرکت، حرکت تدافعی بود. اما وقتی وارد شام شدند، حرکت، حرکت تهاجمی شد، زینب کبری (علیها السلام) فریاد زد: «أظننت یا یزید حین أخذت علينا أقطار الأرض، و ضیقت علينا آفاق السماء»^۴ تو فکر می‌کنی قطره‌های زمین و افق‌های آسمان را از ما گرفتی؟! یعنی حوزهٔ قدرت و ولایت ما، افق‌های آسمان و قطره‌های زمین است. یعنی در مقابل تهاجم یزید

قرار گرفت. حرکت تدافعی، مبدل به حرکت تهاجمی شد.

در جریان خطبهٔ حضرت سجاد (علیه السلام) در مجلس شام، وقتی خطیب رفت شروع کرد توهین کردن به امیرالمؤمنین (علیه السلام) و سید الشهداء (علیه السلام)، حرکت وجود مقدس حضرت زین العابدین (علیه السلام)، حرکت تدافعی نبود، حرکت تهاجمی بود به طرف یزید. این حرکت تهاجمی وضعیت سیاست داخلی یزید را در شام به هم زد. شامی که چهل سال در تحت قدرت بنی امیه بر علیه فرزندان پیغمبر (صلی الله علیه و آله) ساخته شده بودند، بیست سال معاویه استاندار بود و خلافت کرده بود، چهل سال مردم شام را ساخته بود، با یک رفتن اهل بیت (علیهم السلام)، وضعیت سیاست داخلی شام علیه یزید تحریک شد، مردم به جان یزید افتادند. اینکه شنیده‌اید یزید اظهار پشیمانی کرد، نه اینکه یزید پشیمان شد، یزید بر اثر فشار سیاسی مجبور شد اظهار



یزید را رسوا کنند، بنی امیه را رسوا کنند، آثار تبلیغات و حرکت‌های سیاسی چهل ساله معاویه را نقش بر آب کنند. حرکت تدافعی مبدل به حرکت تهاجمی شد.

رزمندگان ایران؛ تبدیل حرکت تدافعی به راهبرد تهاجمی

خوشبختانه در این حرکت هم، رزمندگان ما همین کار را کردند. حرکت تدافعی مبدل به حرکت تهاجمی شده است. دشمن به ما حمله کرد، ما درصدد دفاع برآمدیم، الان دیگر ما دفاع نداریم، الان تهاجم به دشمن داریم. این را از زینب علیها السلام یاد گرفتیم. زینب کبری علیها السلام حرکت تدافعی را به حرکت تهاجمی مبدل کرد، این کار را رزمندگان ما هم انجام دادند

پشیمانی کند که من از کشتن امام حسین علیه السلام پشیمانم و من در این کار دخالت نداشتم، تقصیر عبیدالله بود. خودش را خواست تبرئه کند، ولی در جامعه سیاسی شام تبرئه نشد. حرکت تدافعی اهل بیت علیهم السلام قصه را به اینجا رساند. اینها حرکت تدافعی را مبدل به حرکت تهاجمی کردند. وقتی که خواستند حرکت کنند، زینب کبری علیها السلام شرط کرد و گفت: «ما از شام بیرون می‌رویم اما باید مجلسی به یاد شهدایمان در شهر شام برقرار کنیم.» مگر مجلسی که بخواهند به یاد شهدای کربلا، در شام بگیرند یک مجلس معمولی است که فقط در مجلس بنشینند و قرآن بخوانند. این‌جوری که نبوده است. [می‌خواهند]



و حرکت تدافعی مبدل شده به حرکت تهاجمی. ما الان بنای تهاجم بر دشمن داریم. دیگر در مقام دفاع نیستیم. دشمن بیاید، ما با یک آمادگی شدید، برنده‌ایم. ما تهاجم داریم، نه اینکه دشمن بیاید به ما حمله کند، فقط ما بخواهیم دفاع کنیم. این جوری نیست.

خصوصیت دومی که ما از زینب کبری (ع) آموخته‌ایم، در مسئله تبدیل حرکت تدافعی به حرکت تهاجمی، آن خصوصیت راهکاری است که زینب (ع) داشت. زینب کبری (ع) راهکارش چه بود؟ ایمان به خدا. همه‌کاره خدا را دیدند: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۱ جز خدا هیچ چیزی نداشتند، اتکاء به خدا، اطمینان به خدا، توجه به ربوبیت پروردگار. با توجه به ربوبیت به خدا و اتکاء به خدا، زینب کبری (ع) در مقابل دشمن پیروز شد. آن را ما هم الان داریم. برادران و خواهران، سعی کنیم این محوریت ایمان را ما از دست ندهیم. این وابستگی به اهل بیت (ع) را به عنوان اینکه این‌ها حلال مشکل ما هستند، ما این را زیر پا نگذاریم. این که سرانگشت غیبی وجود اقدس صاحب ما امام زمان (ع) حلال مشکل‌هاست، و او همه گره‌ها را دارد باز می‌کند. این را فراموش نکنیم، هیچ وقت یادمان نرود، آن روزی که در دفاع مقدس رزمندگان ما آن حرکت عظیم را انجام دادند، قریب پنجاه هزار دشمن را اسیر کردند، خرمشهر را آزاد کردند، امام بزرگوار ما (ع) یک کلمه فرمودند: «خرمشهر را خدا

آزاد کرد.» الان هم ما این را در نظر داشته باشیم که همه‌کاره خداست، خدا ما را پیروز می‌کند، خدا دشمن ما را شکست می‌دهد. سرانگشت غیبی امام زمان (ع) چنان چرخ و پر سیاست آمریکا و اروپا و غرب را دارد زیرورو می‌کند که اینها در مقابل اسلام ما جز افتضاح و رسوایی و شکست هیچ چیز عایدشان نمی‌شود.

در عصر عاشورا و شب یازدهم که دشمن حمله‌ور شد، خیمه‌ها را آتش زدند، پرستاری مریض یک طرف، یتیم‌داری یتیمان پراکنده یک طرف، مشکلات دیگر همه دست به دست هم داده، داغ جانکاه برادری مثل حسین (ع) یک طرف، زینب کبری (ع) نافله شبش را فراموش نکرد؛ منتهی نمی‌توانست ایستاده بخواند، نشسته نافله شبش را خواند. این نافله شب را فراموش نکرد؛ هر چه هست از خداست. برادران و خواهران، اگر سیاست و مجاهدات ما گره به دین ما بخورد و گره به عشق ما و اهل بیت (ع) بخورد، هیچ موجودی و هیچ قدرتی روی کره زمین حریف ما نخواهد بود.

.....

۱. هود، ۱۱۲.

۲. مدثر، ۷.

۳. رهبر عظیم‌القدر شهید (ع)، ۱۳۹۹/۱۲/۰۴.

۴. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۵۷.

۵. رعد، ۲۸.